

گفت‌وگو

بهتاش فریبا، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

ایجاد زیر ساخت بدون مدیریت با ثبات امکان پذیر نیست

مهری زنجبر / در سال های اخیر، موضوع ایجاد و توسعه زیرساخت‌های فوتبال ایران، بویژه ساخت ورزشگاه‌های اختصاصی برای باشگاه‌های بزرگ پایتخت، به یکی از چالش‌های اساسی این حوزه تبدیل شده است. در حالی که فوتبال حرفه‌ای در جهان بر پایه درآمدزایی و امکانات مدرن شکل گرفته، نبود چنین زیرساخت‌هایی در ایران همچنان محل بحث و انتقاد کارشناسان است. بهتاش فریبا، پیشکسوت فوتبال، بهتاش فریبا، «ایران» به بررسی موانع و پیامدهای این مسأله پرداخته و تأکید دارد برای راهی‌از مشکلات زیرساختی باید به سمت ایجاد ورزشگاه‌های اختصاصی گام برداریم.

بهتاش فریبا، پیشکسوت فوتبال ایران، معتقد است که ساخت ورزشگاه اختصاصی برای باشگاه‌های بزرگ کار ساده‌ای نیست. او می‌گوید: «شرط حیات فوتبال حرفه‌ای، داشتن ورزشگاهی اختصاصی است. مگر می‌شود باشگاه‌های بزرگ اروپایی حرفه‌ای باشند اما ورزشگاه اختصاصی نداشته باشند؟ البته در همه جای دنیا، ورزشگاه‌های اختصاصی باشگاه‌های بزرگ را شهرداری‌ها می‌سازند و شاید در ایران به خاطر هزینه‌های هنگفت، این اتفاق تاکنون رخ نداده است.»

وی در ادامه می‌گوید: «ساخت ورزشگاه اختصاصی استاندارد، بودجه زیادی می‌خواهد و شاید مدیران عامل استقلال و پرسپولیس به همین دلیل نتوانسته‌اند اقدام مثبتی انجام دهند، اما حالا با آمدن هلدینگ‌ها و بانک‌ها، شاید بتوان اقداماتی انجام داد. ولی باز هم تأکید می‌کنم ساخت ورزشگاه اختصاصی کار آسانی نیست که بتوان به‌سرعت مراحل احداث آن را پشت سر گذاشت.»

او در ادامه با اشاره به هزینه‌های سنگین احداث ورزشگاه استاندارد بین‌المللی گفت: «شاید ساخت ورزشگاه اختصاصی، بدون توجه به نتیجه در یک فصل، راهکار مناسبی باشد، اما نکته اینجاست که هواداران، هزینه برای ساخت ورزشگاه به جای تیم بسنن را به‌راحتی قبول نمی‌کنند! هرچند می‌توان تیمی بست که فقط در ترکیه و بسیاری از کشورهای صاحب نام فوتبال جهان انجام می‌شود. آنها با ساخت ورزشگاه، علاوه بر بازپرداخت می‌خواهند.»

بهتاش فریبا، نبود ثبات مدیریتی را یکی دیگر از دلایل به سرانجام نرسیدن پروژه‌های زیرساختی می‌داند و می‌گوید: «درست است که وقتی باشگاهی ورزشگاه اختصاصی داشته باشد، نفع‌تها هزینه‌ای برای برگزاری بازی از دست نمی‌دهد، بلکه می‌تواند درآمدزایی هم داشته باشد، اما یکی از دلایل اصلی ساخته نشدن ورزشگاه باشگاهی، نبود ثبات مدیریتی در باشگاه‌هاست. ساخت و ورزشگاه بدون مدیریت با ثبات امکان‌پذیر نیست. پیش‌تر حتی مدیرعامل یک باشگاه به خاطر یک یا دو باخت تغییر می‌کرد؛ بنابراین مدیران عامل نمی‌توانستند برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند و حتی اگر برنامه‌ای هم وجود داشت، با تغییرات مدیریتی اجرا نمی‌شد.» (مدیرعامل باشگاه استقلال در پنج سال گذشته بیش از بازیکنان تغییر کرده است. از طرفی، با هزینه‌هایی که در لیگ‌های آسیایی، بویژه در عربستان، امارات و قطر برای جذب ستاره‌های جهانی می‌شود، ایرانی به رویا تبدیل شده است. همچنین پیشرفت فوتمانی را بسیار دشوار ازبکستان نیز در سایه ثبات مدیریتی و برنامه‌ریزی بلندمدت به دست آمده است.)

وی در ادامه می‌گوید: «بدون شک، این فصل لیگ برتر فوتبال با آشفته‌گی زیادی مواجه می‌شود و حتی کمیته‌های انضباطی و استیناف نیز با چالش‌هایی روبه‌رو خواهند شد، چرا که باشگاه‌ها از نظر مالی با مشکلات جدی مواجه هستند. ولی بازیکنان در فصل گذشته قراردادها یا لایی داشتند، اما در این فصل، به دلیل شرایط خاص کشور، چنین مبالغی وجود ندارد و همین موضوع شرایط قهرمانی را بسیار دشوار می‌کند. از سوی دیگر، با برگزاری بازی سه تیم تهرانی در شه‌های شهر قدس، بدون شک تا نیم‌فصل زمین چمن دچار افت کیفیت می‌شود و این موضوع بر کیفیت بازی‌ها نیز تأثیر منفی خواهد گذاشت.»

سینا حسینی / بیش از دو دهه از اولین باری که مدیران دو باشگاه استقلال و پرسپولیس از «ساخت استادیوم اختصاصی» سخن گفتند، می‌گذرد؛ وعده‌ای که در تمام این سال‌ها بارها تکرار شده، تغییر شکل داده، به سیاست‌های کلان همچون خصوصی‌سازی گره خورده و هر بار با ادبیاتی تازه بازتولید شده، اما در نهایت هیچ‌گاه از سطح اظهارنظر و برنامه‌ریزی فراتر نرفته است. مرور این مسیر تاریخی نشان می‌دهد «استادیوم اختصاصی» در فوتبال ایران، بیش از آنکه یک پروژه عمرانی با مختصات مشخص باشد، به یک کلی‌دواز ثابت در گفتمان مدیریتی دو باشگاه بزرگ پایتخت تبدیل شده است.

آغاز این روایت به اوایل دهه ۱۳۸۰ برمی‌گردد. موقعی که همزمان با پرزنگ‌تر شدن بحث حرفه‌ای‌سازی فوتبال در ایران، ضرورت برخورداری از زیرساخت‌های مستقل باشگاهی نیز مورد توجه قرار گرفت. در همان مقطع، در باشگاه پرسپولیس، اکبر غمخور از نیاز به احداث یک ورزشگاه اختصاصی سخن گفت و آن را از الزامات تبدیل این باشگاه به یک نهاد حرفه‌ای دانست. در سوی دیگر، در باشگاه استقلال، علی فتح‌الله‌زاده نیز از تلاش برای تأمین زمین جهت احداث ورزشگاه خبر داد. این اظهارات، در آن زمان، بیش از آنکه مبتنی بر برنامه‌ای اجرایی و زمان‌بندی شده باشد، بیشتر جنبه طرح ایده داشت، اما به‌عنوان اشاره کرد؛ موضعی که در واقع، فاصله قابل‌توجه میان طرح ایده و امکان تحقق آن که تا امروز ادامه یافته است.

حمید درخشان، مربی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

باشگاه‌ها به جای ایجاد زیر ساخت، ستاره استخدام می‌کنند

پرسا غفاری / سال‌هاست موضوع ساخت ورزشگاه‌های اختصاصی برای دو باشگاه استقلال و پرسپولیس، به‌عنوان یکی از مطالبات اصلی فوتبال ایران مطرح می‌شود؛ مطالبه‌ای که با وجود وعده‌های متعدد، هنوز رنگ واقعیت به خود نگرفته است. نبود زیرساخت‌های حرفه‌ای، این دو باشگاه پرهوادار را از ظرفیت‌های اقتصادی و ورزشی مهمی محروم کرده و همچنان به یکی از چالش‌های جدی فوتبال کشور تبدیل شده است.



او با اشاره به چالش بزرگ اغلب باشگاه‌ها، بویژه پرسپولیس و استقلال، در نداشتن ورزشگاه اختصاصی، توضیح داد: «در حال حاضر، از ۱۸ تیم لیگ برتر تنها چند باشگاه خصوصی هستند و سایر تیم‌ها به بودجه عمومی وابسته‌اند. به نظر من، هر زمان خصوصی‌سازی واقعی صورت گیرد، ساخت‌وساز توجه‌پذیرتر خواهد شد. در این صورت، باشگاه‌ها می‌توانند از دولت وام‌های بلندمدت، دریافت کنند؛ همان‌گونه که در ترکیه و بسیاری از کشورهای صاحب نام فوتبال جهان انجام می‌شود. آنها با ساخت ورزشگاه، علاوه بر بازپرداخت

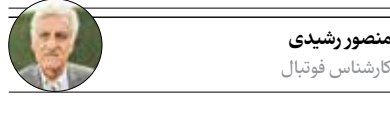
وقتی ورزشگاه‌ها، امپراطوری اقتصادی می‌شوند

استخراج طلادر فوتبال مدرن

گروه ورزشی / بررسی داده‌های ثبت‌شده در بخش درآمد‌های فوتبال باشگاهی در جهان نشان می‌دهد باشگاه‌های بزرگ اروپایی سالانه بین ۸۰ تا ۱۵۰ میلیون یورو از محل درآمد‌های روز مسابقه کسب می‌کنند و با احتساب فعالیت‌های جانبی، این اعداد رقم در برخی موارد به بیش از ۲۰۰ میلیون یورو می‌رسد. این اید نشان‌دهنده نقش کلیدی استادیوم‌های مدرن در مدل درآمدی باشگاه‌هاست؛ جایی که دیگر تنها محل برگزاری مسابقه نیست، بلکه به یک قطب اقتصادی چندمنظوره تبدیل شده است. برای مثال، رتال مادرید پس از بازسازی ورزشگاه «سانتیاگو‌برنابئو» با سرمایه‌ای نزدیک به یک میلیارد یورو، هدف‌گذاری کرده درآمد سالانه این مجموعه را به بیش از ۳۰۰ میلیون یورو برساند. بارسلونا نیز در پروژه «اسپای بارسا» با برآوردی تا ۲ میلیارد یورو، به دنبال جهش چشمگیر درآمدی از محل استادیوم و خدمات وابسته است. در انگلیس، تاتنهام با بهره‌برداری از ورزشگاه جدید خود توانست درآمد روز مسابقه را از حدود ۴۵ میلیون پوند به بیش از ۱۰۰ میلیون پوند افزایش دهد و بایرن مونیخ نیز از «الیانس آرتا» سالانه نزدیک به ۱۰۰ میلیون یورو درآمد دارد. علاوه بر این، قراردادهای حق نام‌گذاری استادیوم‌ها در برخی موارد سالانه بین ۲۰ تا ۴۰ میلیون دلار ارزش دارند؛ درآمدی پایدار که حتی بدون برگزاری مسابقه نیز به حساب باشگاه‌ها واریز می‌شود. نکته قابل توجه، تبدیل حتی فرآیند بازسازی به فرصت درآمدزایی است؛ از فروش صندلی‌های قدیمی گرفته تا تورهای بازدید از پروژه‌های در حال ساخت. در چنین ساختاری، سهم استادیوم از کل درآمد باشگاه‌ها به‌طور میانگین به ۱۵ تا ۲۵ درصد می‌رسد.

ضرورت اصلاح ساختار مدیریت باشگاه‌ها

یادداشت



منصور رشیدی
کارشناس فوتبال

باشگاه‌های فوتبال در ایران سال‌هاست که تنها عنوان «حرفه‌ای» را یک می‌کشند، در حالی که با معیارهای جهانی فاصله‌ای معنادار دارند. اولین و بدیهی‌ترین شاخص یک باشگاه حرفه‌ای، برخورداری از ورزشگاه اختصاصی استاندارد است؛ امکانی که اغلب



«ایران» ناکامی دود دهه اخیر مدیران استقلال و پرسپولیس برای ایجاد زیرساخت را بررسی می‌کند

وعده درمانی با کلید واژه استادیوم

ولی خروجی عملی این دوره بسیار محدود باقی ماند. در استقلال، برخی زیرساخت‌ها نظیر کمپ تمرینی ایجاد شد، اما پروژه ورزشگاه اختصاصی هرگز وارد مرحله اجرا نشد. در پرسپولیس نیز مذاکرات و طرح‌های اولیه به نتیجه مشخصی نرسید و در عمل در همان سطح اولیه متوقف ماند. در دهه ۱۳۹۰، ادبیات مدیران دو باشگاه تغییر محسوسی نسبت به گذشته پیدا کرد. دیگر سخن صرفاً درباره «ضرورت» نبود، بلکه از «تأمین زمین» و «کلنگ‌زنی قریب‌الوقوع» سخن به میان آمد. محمد رویانیان، مدیرعامل وقت پرسپولیس، از جمله مدیرانی بود که با صراحت بیشتری درباره این پروژه صحبت کرد و حتی از آماده بودن زمین و نزدیک بودن آغاز عملیات اجرایی خبر داد. این اظهارات بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت، اما در عمل هرگز به مرحله اجرا نرسید. پس از او نیز مدیرانی مانند حمیدرضا سیاسی همین مسیر را ادامه دادند، بی‌آنکه دستاورد مشخصی در این زمینه ثبت شود.

در باشگاه استقلال نیز شرایط کمابیش مشابهی حاکم بود. علی فتح‌الله‌زاده در دوره دوم مدیریت خود بار دیگر از «خبرهای خوب» درباره ساخت ورزشگاه اختصاصی سخن گفت. پس از او، بهرام افشارزاده با رویکردی محتاطانه‌تر، با تأکید بر ضرورت این پروژه، به نبود زیرساخت‌ها و لزوم حمایت‌های کلان اشاره کرد؛ موضعی که در واقع، فاصله قابل‌توجه میان طرح ایده و امکان تحقق آن شد و به سرانجام نرسید.

پس از او، در دوره مدیریتی علی خطیر در سال ۱۴۰۲، بار دیگر موضوع احداث ورزشگاه اختصاصی استقلال در دستور کار قرار گرفت. در این مقطع، حتی یک نشست خبری نیز با محوریت این پروژه علوه برگزار شد و از اقدامات انجام‌شده و برنامه‌های

حمید درخشان، مربی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

باشگاه‌ها به جای ایجاد زیر ساخت، ستاره استخدام می‌کنند

حمید درخشان، کارشناس فوتبال، در گفت‌وگو با «ایران» درباره علت عدم تحقق این وعده‌ها می‌گوید: «تا زمانی که باشگاه‌ها وابسته به منابع عمومی هستند و مدیران از امنیت شغلی برخوردار نیستند، هیچ تغییری در روند موجود صورت نمی‌گیرد. در حالی که ایجاد فضایی مناسب با امکانات حرفه‌ای، نه تنها موجب جذب مربیان و بازیکنان باکیفیت می‌شود، بلکه به‌عنوان یک پایگاه مالی و اقتصادی نیز می‌تواند به توسعه باشگاه کمک کند.»

آنها در شهرهای مختلف هستیم. در حالی که آنها از یک نیاز بنیادی و اساسی برای موفقیت و رشد فوتبال محروم‌اند.» حمید درخشان، علاوه بر مسائل مالی، نقش مدیران را در ایجاد شرایط فعلی بسیار تأثیرگذار می‌داند و در این خصوص می‌گوید: «مدیران باشگاه‌ها اغلب مصرف‌کننده‌اند و بهینه‌سازی را نایامخته‌اند. البته چندان هم مقصر نیستند، زیرا فضای ورزش ما نتیجه گراست و شغل مدیران تضمین شده نیست، به‌طوری که با اولین ناکامی، از کار برکنار می‌شوند. به همین دلیل، آنها برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت چهار ساله ارائه نمی‌دهند و ترجیح می‌دهند مبالغ هنگفتی برای جذب بازیکنان و مربیان هزینه کنند تا در رقابت‌ها پیروز شوند و جایگاه خود را حفظ کنند. حتی حاضر نیستند با تیمی متوسط در مسابقات

پیش‌رو سخن به میان آمد. ولی این بار نیز موضوع از مرحله طرح و اعلام عمومی فراتر نرفت و نشانه‌ای از ورود به فاز اجرایی مشاهده نشد. در ادامه، در دوره مدیریتی علی تاجرنیا در بازه زمانی ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴، این وعده بار دیگر تکرار شد و هواداران استقلال مجدداً با همان گزاره آشنا یعنی «ساخت استادیوم اختصاصی» مواجه شدند. اما این دوره نیز تفاوتی با دوره‌های پیشین نداشت و پروژه، بدون ثبت هیچ پیشرفت عینی، در حد وعده باقی ماند. در باشگاه پرسپولیس نیز دقیقاً همین روند طی شد. مدیران این باشگاه، با تداوم نوعی «وعده‌درمانی»، همچنان از ساخت ورزشگاه اختصاصی سخن گفتند تا نشان دهند در پی تحقق یک پروژه بزرگ هستند، اما در عمل، نشانه‌ای از آغاز ساخت‌وساز دیده نشد. رضا درویش در دوران مدیریت خود از بررسی گزینه‌های مختلف برای احداث ورزشگاه اختصاصی خبر داد و تلاش کرد این پروژه را به منابع مالی جدید و سازوکارهای اقتصادی پیوند بزند، اما این تلاش‌ها نیز به مرحله اجرا نرسید. پس از کنار رفتن او، در دوره مدیریتی پیمان حدادی در سال ۱۴۰۴، بار دیگر موضوع ساخت ورزشگاه اختصاصی مطرح شد. در این مقطع، حتی طرح‌های مفصل‌تری نیز به رسانه‌ها ارائه شد و ادل‌های متنوع تأمین مالی سخن به میان آمد، اما این مرحله نیز در نهایت به نتیجه عملی منتهی نشد.

مرور این روند بیش از بیست‌ساله نشان می‌دهد



محسن قدردیسون فوتبال



بدهی‌های سنگین باشگاه‌ها، بویژه دو باشگاه

تهرانی، باعث شده

روایی ساخت ورزشگاه اختصاصی برای آنها دور از دسترس باشد

شرکت کنند و باقی بودجه را صرف زیرساخت‌ها و ساخت‌وساز کنند، چرا که رقبای زیر چنین رویکردی ندارند.»

او در پایان ابراز امیدواری می‌کند که مسئولان ورزش و پرسپولیس می‌تواند آغازگر فصلی نو در فوتبال کشور باشد. در این مسیر، بیش از هر زمان دیگری به عزم ملی و اراده‌ای قوی نیاز داریم.»

از درآمد نجومی سانتیاگو برنابئو تا زمین‌های اجاره‌ای آبی و قرمزها موتور تولید ثروت به‌معنای از دست رفتن بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های درآمدی است؛ از جمله عدم کنترل کامل بر بلیت‌فروشی، محرومیت از درآمد‌های جانبی مانند خدمات VIP، فروش محصولات، بهره‌برداری تجاری در روزهای غیر مسابقه و همچنین محدودیت در توسعه تجربه هواداری. برآوردهای اقتصادی نشان می‌دهد که در صورت برخورداری از یک استادیوم مدرن و اختصاصی، هریک از این دو باشگاه می‌توانستند سالانه ده‌ها میلیارد تومان درآمد پایدار ایجاد کنند؛ ظرفیتی که در شرایط فعلی با اساساً محقق نمی‌شود یا سهم ناچیزی از آن نصیب باشگاه‌ها می‌گردد. این فاصله، صرفاً یک اختلاف عددی نیست، بلکه بیانگر تفاوتی عمیق در مدل کسب‌وکار و ساختار حرفه‌ای اداره باشگاه‌هاست. در فوتبال امروز، مزیت میزبانی دیگر تنها به حمایت تماشاگران محدود نمی‌شود، بلکه به توانایی باشگاه در تبدیل این مزیتانی به ارزش اقتصادی وابسته است. براین اساس، استقلال و پرسپولیس در شرایطی رقابت می‌کنند که بخشی از مهم‌ترین ابزارهای درآمدزایی را در اختیار ندارند. توسعه چنین وضعیتی، کاهش توان سرمایه‌گذاری، تلفات مالی، و در نتیجه زیرساخت‌ها و در نهایت افزایش فاصله با استانداردهای بین‌المللی است. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، استادیوم در فوتبال مدرن ستون اصلی اقتصاد باشگاه محسوب می‌شود و فقدان آن به‌معنای تکیه برمدلی ناپایدار و وابسته‌است. تا زمانی که این دو باشگاه به زیرساختی مستقل، مدرن و قابل بهره‌برداری دست نیابند، شکاف میان ظرفیت واقعی آنها و جایگاه اقتصادی‌شان در فوتبال حرفه‌ای همچنان پابرجا خواهد ماند.	گروه ورزشی / در فوتبال حرفه‌ای جهان، استادیوم دیگر صرفاً یک زمین چمن با سکوهای تماشاگران نیست؛ بلکه «قلب اقتصادی» باشگاه به شمار می‌آید، عنصری که به‌عنوان موتور تولید ثروت باشگاه به‌شود. برای اثبات این فرآیند، کافی است به باشگاه‌رتال مادرید نگاه کنیم؛ ورزشگاه سانتیاگو برنابئو نه‌تنها محل برگزاری مسابقات، بلکه یک مجموعه اقتصادی چندمنظوره است که از تورهای گردشگری و فروشگاه‌های رسمی تا رستوران‌ها و برگزاری رویدادهای غیرفوتبالی را در برمی‌گیرد و در عمل از هر متر مربع خود ارزش افزوده تولید می‌کند. در نمونه‌ای دیگر، باشگاه تاتنهام هاتسپر با بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های درآمدزایی در صنعت فوتبال نشان داده‌که استادیوم می‌تواند حتی در روزهای بدون مسابقه نیز جریان درآمدی پایدار داشته باشد؛ همان‌گونه که باشگاه بایرن مونیخ با الیانس آرتا توانسته یک زیرساخت ورزشی را به یک برند اقتصادی و حتی هویتی شهری تبدیل کند. در چنین الگویی، سهم درآمد‌های روز مسابقه برای باشگاه‌های بزرگ اروپایی به بخش قابل‌توجهی از کل درآمد آنها تبدیل شده و زنجیره‌ای از منابع مالی، از فروش بلیت و خدمات ویژه گرفته تا تبلیغات محیطی، حق نام‌گذاری و فعالیت‌های تجاری، مستقیماً به مالکیت و بهره‌برداری از ورزشگاه گره خورده است. در مقابل، وضعیت باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس نشان‌دهنده یک شکاف ساختاری در فوتبال ایران است. این دو باشگاه، با وجود برخورداری از پایگاه هواداری گسترده و سرمایه اجتماعی قابل توجه، همچنان از مالکیت یا بهره‌برداری مؤثر از یک ورزشگاه اختصاصی محروم‌اند و ناچارند در ورزشگاه‌های اجاره‌ای صرفاً مسابقات خود را برگزار کنند تا از چرخه رقابت‌ها عقب نمانند. چنین وضعیتی
---	---

جدید و تازه نیست. بیش از ۱۵ سال پیش، زمانی که باشگاه‌های عربی با تدوین برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را آغاز کردند، زنگ خطر برای فوتبال ایران به صدا درآمد. امروز، این باشگاه‌ها با بهره‌گیری از ورزشگاه‌های مدرن، زمین‌های تمرین باکیفیت و آکادمی‌های پیشرفته، به قدرت‌های برتر قاره تبدیل شده‌اند؛ در مقابل، بسیاری از باشگاه‌های ایرانی همچنان از ابتدایی‌ترین امکانات محرومند.

حتی تیم‌های پرترفداری چون استقلال و پرسپولیس نیز، با وجود سابقه و هواداران گسترده، از زیرساخت‌های استاندارد و آکادمی‌های مؤثر

برنامه‌ای اصولی برای تربیت نسل آینده بازیکنان هستند. نتیجه این روند، وابستگی مداوم به بازیکنان آماده و عدم تولید سرمایه انسانی پایدار است. ریشه این مشکلات را باید در مدیریت غیرمتخصص و ساختار مالی معیوب باشگاه‌ها جست‌وجو کرد. نبود برنامه‌ریزی بلندمدت، تصمیم‌گیری‌های مقطعی و اتکا به منابع ناپایدار مالی، باعث شده است که باشگاه‌ها نتوانند زیرساخت‌های لازم برای حرفه‌ای شدن را فراهم کنند. این در حالی است که با توجه به شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی کشور، پیش‌بینی می‌شود وضعیت در فصل‌های آینده حتی دشوارتر نیز شود. شکاف میان فوتبال ایران و رقبای آسیایی، پدیده‌ای

بی‌بهره‌اند؛ موضوعی که در سطح فوتبال حرفه‌ای جهان، کم‌سابقه و نگران‌کننده است. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد راهکار اساسی، تغییر رویکرد از نتیجه‌گرایی کوتاه‌مدت به توسعه زیرساختی باشد. باشگاه‌های بزرگ باید با پذیرش هزینه‌های کوتاه‌مدت، بخشی از منابع مالی خود را صرف احداث ورزشگاه‌های اختصاصی و ایجاد آکادمی‌های استاندارد کنند. این سرمایه‌گذاری نه‌تنها زمینه‌ساز رشد فنی فوتبال خواهد بود، بلکه در بلندمدت به منبعی پایدار برای درآمدزایی نیز تبدیل می‌شود؛ مسیری که فوتبال ایران برای بقا و پیشرفت، ناگزیر از عبور آن است.